

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۲۰ جون ۲۰۱۹

همگامی طیف گسترده منفردان سیاسی چپ ضرورتی عاجل!



شکست چپ انقلابی در کشورمان را امروزه جای انکار نیست. این شکست تنها با قدرت سرکوب فاشیستی رژیم قابل تعریف نیست. ناتوانی رهبری چپ عامل دوم این شکست بوده است. ناموزون بودن توانائی های این رهبران و رشد و گسترش تشکل ها نیز از موضوعات قابل بحث است. آیا امروز و برای خروج چپ انقلابی از بحران همان افرادی که سی و چند سال قبل ناتوان در رهبری چپ بودند. به خود نقدی نداشته اند و می باید مکررا از سوی بدنه چپ مورد سؤال قرار بگیرند، می توانند برای برآمد و عروج دوباره چپ انقلابی در خارج از کشور نسخه ای بهتر از آندوران بپیچند؟

حقیقت این است که طیف وسیعی از فعالان چپ از همکاری با احزاب و سازمانهای سیاسی سنتی هنوز موجود دوری می جویند و این طیف اغلب اعضاء و کادرهای این نهادهای سیاسی بوده اند که در میان امواج انشعابات آنها به بیرون از دایره ارتباطات حزبی و سازمانی پرتاب شدند یا به خواست و اراده خود از این تشکل های سنتی فاصله گرفتند. حقیقت دیگر این که تنها این طیف نیستند که از ارتباط با نهادهای سیاسی موجود می پرهیزند. بلکه در ازای ریزش محسوس بدنه سازمانی آنها نیروئی جوان و تازه نیز به هر دلیلی این تشکلهای را بازسازی نمی کند.

به عبارت دیگر روند بازسازی در چپ متشکل مختل است و ایستا و یا نموداری منفی دارند. اینها اما خود به آن آگاهند. با هر موج مبارزاتی در داخل کشور به ضرورت نزدیکی به یک دیگر و تشکیل یک نیروی قابل لمس از جمع جبری خود می رسند و با فرود خیزش های مردمی از حرارتشان و تحرک شان کاسته می شود.

با کنش طیفهای راست و معطوف به قدرت و با تأخیر طولانی کنشگری چپ متشکل نیز آغاز می شود و آنهم در سنتی ترین وجه سالهای ۵۷ تا ۶۰ خود و دعوت از چهره های سیاسی آندوران که در شکست چپ کشورمان نقشهای کلیدی تاریخی داشته اند. گذر زمان کوچکترین تأثیری بر کردار چپ متشکل نگذاشته است. راهیابی برای خروج از رخوت چپ با همان افراد سیاسی چپ انجام می پذیرد که چهل سال قبل و خوشبختانه هنوز زنده اند. با همان چهره هایی که ناتوانی خویش را پیش تر از امروز به اثبات رسانده اند. چهره هایی که در حضور امروزه چپ سنتی نالایق نقش

برجسته ای دارند و دیواره های تشکل های فرقه ئی آنها رسوب کرده است و جلبک ها مانع از دیده شدن آنهاست. شکست چپ انقلابی در کشورمان را امروزه جای انکار نیست. این شکست تنها با قدرت سرکوب فاشیستی رژیم قابل تعریف نیست. ناتوانی رهبری چپ عامل دوم این شکست بوده است. ناموزون بودن توانائی های این رهبران و رشد و گسترش تشکل ها نیز از موضوعات قابل بحث است. آیا امروز و برای خروج چپ انقلابی از بحران همان افرادی که سی و چند سال قبل ناتوان در رهبری چپ بودند. به خود نقدی نداشته اند و می باید مکرراً از سوی بدنه چپ موجود مورد سؤال قرار بگیرند، می توانند برای برآمد و عروج دوباره چپ انقلابی در خارج از کشور نسخه ای بهتر از آندوران بیچند؟

به گمان من طیف رهبری تشکل های سنتی یکی از موانع شکل گیری چپ نوین دمکرات به دور از سانترالیزم و گرایشات فرقه ئی تشکل های سنتی موجود هستند. چنانچه این رهبری سنتی به طور جمعی تنها به عنوان مشاور و نه رهبر حضور یابند زمینه های حضور سیاسی و مؤثر چپ کشورمان در خارج از کشور و در تحولات جاری داخل کشور نیز فراهم خواهد شد.

اگر چه رفتار سیاسی و دمکراتیک برخی از تشکلهای در حوزه های رسانه ئی نشان از درجه ای از بلوغ نظری آنها می دهد اما در حوزه راهیابی برای خروج از سردرگمی و رخت چپ متشکل نسخه شفابخش آنها همان مکانیزم های قدیمی و جمع جبری نهادهای سنتی است. نگاه کنید به سخنگویان آنها و مباحثه های ویدئوئی این طیف!

این که در شرایط کنونی طیف گسترده فعالان منفرد چپ غیر تشکیلاتی زیر ذره بین قرار گرفته اند نتیجه یأس عمومی و مشاهده ناتوانی و سنت گرایی بیهوده همین طیف هنوز متشکل است. ضرورت به میدان مبارزه آمدن و پشتیبانی محسوس از جنبشهای مردمی از سوی طیف گسترده فعالان منفرد چپ غیر تشکیلاتی از همینجاست. این امر متحقق نمی شود مگر با سازمانیابی این طیف.

این سازمانیابی پیش از آن که ارادی باشد ناشی از ضرورتی است بی تردید و تاریخی. جنبش کارگری با مبارزات اخیر کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و هپکو نشان داد که در شرف ورود به فاز جدید مبارزاتی است. جنبش معلمان و زنان و دانشجویی و بازنشستگان و کامیونداران علاوه بر خصلت سراسری بودنشان جوانه های از همبستگی را نیز نشان داده اند. این جنبشها به همراه خیزش عمومی و میلیونی دیماه [جدی] ۹۶ اما فاقد پشتیبانی و همبستگی در خارج از مرزها بوده اند. بی شک تلاشهایی پراکنده اما ضعیف را شاهد بودیم اما بسیار نازلتر از بنیه و پتانسیل بالقوه تبعیدیان و مهاجران ایرانی در خارج از کشور بوده است.

طیف چپ خارج کشور اگر چه در نهادهائی کارگری و یا چپ اتحادیهائی نسبتاً موفق داشته اند اما از حوزه نزدیکی های منطقه ئی خویش و یا ارتباطات محدود و محصور خارج نشده اند. تشکیل آنها قبل از این که ناشی از ضرورتها باشد ارادی بوده است و فراگیر نبوده اند. شکلیابی چپ منفرد غیر تشکیلاتی مؤلفه های دیگری خواهد داشت. اولاً فراگیر است و مختصات فراگیر شدن را داراست و دوم تابعی از مناسبات حاکم بر تشکلهای سنتی نخواهد بود زیرا که شناخت کافی از آن مکانیزم های مؤثر فرقه گرایی را دارد و سوم مخاطب آن تمامی منفردان چپ و سراسری است. چهارم این که رهبر یا جمع رهبران نخواهد داشت، هر فرد یک رأی و فرصت خواهد داشت. این طیف تشکل ستیز یا تشکل گریز نیست. فاصله این طیف با روابط غیر دمکراتیک و رهبران مادام العمر است و اینها نشانی از خودویژگی این سازمانیابی هستند.

چنانچه جنبش سبز در سال ۸۸ تمایلات تغییرات بنیادین مردمی را به سوی اصلاحات تنزل داد و توانش را هم داشت اما خیزش عمومی و رادیکال مردمی در دیماه [جدی] ۹۶ نه تنها بانگ سرنگونی رژیم را به صدا در آورد بلکه تمامی

اصلاح طلبان را نیز انگشت بدهان باقی گذاشت. امروزه شکافی عمیق را در میان اصلاح طلبان و بخش راست ماتم زده به اصطلاح چپ خارج کشور خودنامیده را هم سردرگم کرده است.

این طیف که از آویزان شدن به بخشی از حکومت در هیچ برهه ای از تاریخ سراسر جنایت رژیم کوتاه نمی آمد امروزه و با پیوستن اصلاح طلبان به بخش حاکم خرامان خرامان به سوی رادیکال ها می خزند. گویا اتفاقی نیفتاده است و از دستبند و گردن بند سبز آنها نیز خبری نیست. به یاد دارم که خیزش عمومی ۸۸ مورد تأیید نیروهای چپ سرنگونی طلب نیز بود. این پارادوکس در بطن این خیزش بود. اصلاح طلبان دست بالا را داشتند و با موسوی شان و کروی شان به دنبال رای گم شده خود می گشتند.

اپوزیسیون چپ انقلابی در چنین شرایطی می باید که مؤلفه ای پر خروش برای هرچه رساتر کردن صدای دادخواهی این جنبش ها باشد. برای انجام این نقش نیازمند اقدامات بسیار گسترده تر و مؤثر تر از گذشته است. بحران سیاسی کنونی در خاور میانه و سایه جنگی ویرانگر برای کشورمان ضرورت حضور چپی توانا و آماده کارزار را به همه ما گوشزد می کند.

سایت گزارشگران پیش از این فراخوانی در ارتباط با تدارک سراسری در حمایت از کارگران کشورمان منتشر کرد و همچنان از همه آنان که دل پر سوزی برای مبارزان داخل کشور دارند تقاضا دارد که پیام این نوشته را پاسخی مثبت داده و به صفوف منفردان چپ مستقل بپیوندند.

۲۰۱۹/۰۶/۱۹